١٣ فوريه ١٩١١ یا ۱۹۱۳ در مجلس اسپرانتيستها در مدرن هتل در پاريس: درباره اهمیت لسان عمومی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



## ١٣ فوريه ١٩١١ یا ۱۹۱۳ در مجلس اسپرانتيستها در مدرن هتل[[1]](#footnote-1) در پاريس: درباره اهمیت لسان عمومی[[2]](#footnote-2)

#### (خطابات جلد سوم، ص. ۹۳-۹۵)

هواللّٰه

در عالم انسانی دو قضيّه است: عمومی و خصوصی هر امری، عمومی، فوائدش بی نهايت است. و هر امری خصوصی فوائدش محدود. مثلاً ملاحظه می کنی که مشروعی عمومی چقدر فوائد دارد، لکن هر مشروعی خصوصی فوائدش محدود است. احکامی عمومی فوائدش بسيار و سياست عمومی بسيار مفيد. مختصر هر امر عمومی فوائد عظيم دارد. پس می توانيم بگوئيم هر امر عمومی، الهی است و هر امر خصوصی، بشری. ملاحظه می نمائيد که آفتاب بر همه می تابد. اين اشراق عمومی و الهی است، امّا اين نور سراج خصوصی است و بشری.

پس در عالم وجود اعظم امور، امر عمومی است لهذا می توانيم بگوئيم لسان عمومی امری است مهمّ، زيرا سوء تفاهم را از بين ملل زائل نمايد، قلوب عموم را بهم ارتباط دهد و سبب شود که هر فردی مطّلع بر افکار عمومی شود. در عالم انسانی، تعليم و تعلّم که اعظم فضائل عالم بشری است، مشروط به وحدت لسان معلّم و متعلّم است. پس چون لسان عمومی حاصل شود، تعليم و تعلّم سهل و آسان گردد. در زمان گذشته ملاحظه می کنيم وحدت زبان چقدر سبب الفت و وحدت شد. هزار و سيصد سال پيش، قبطيان، سريانيان، آشوريان ملل مختلفه بودند و در شدّت نزاع و جدال. بعد چون مجبور به تکلّم لسان عربی شدند وحدت لسان سبب شد که حال جميع عربند و يک ملّت شده اند، با آنکه اهل مصر قبط و اهل سوريّه سريان و اهل بغداد کلدان و اهل موصل آشور بودند، لکن وحدت لسان جميع آنها را يک ملّت نموده، با هم مرتبط کرد، ارتباطی که ابداً فصل ندارد. و همچنين در سوريّه مذاهب مختلفه مثل کاتوليک، ارتودکس، درزيّ شيعه، سنّی، نصيری هستند، ولی به سبب وحدت لسان يک ملّتند. از هر يک سؤال کنی گويد من عربم و حال آنکه بعضی رومانيند، بعضی عبرانی و بعضی سريانی و بعضی يونانی. امّا لسان واحد آنها را جمع کرده. پس وحدت لسان بسيار سبب الفت می شود. به عکس از اختلاف لسان در اروپا يکی را آلمان، يکی را انگريز، يکی را فرانسه می گويند. اگر وحدت لسان بود، البتّه الفت حاصل می شد، بلکه يک ملّت بودند. چنانچه در شرق، ملل مختلفه ای که لسان واحد دارند، حکم يک ملّت پيدا کرده اند. مقصد اين است که در عالم انسانی وحدت لسان خيلی سبب الفت و اتّحاد است و بالعکس اختلاف لسان مايه جدال و اين واضح است.

لهذا از جمله تعاليم بهاء اللّه پنجاه سال پيش، امر به وحدت لسان بود که تا لسان عمومی تأسيس و ترويج نشود، ارتباط تامّ بين بشر حاصل نگردد، زيرا سوء تفاهم مانع الفت است و اين جز به وحدت لسان زائل نشود. به سبب اختلاف لسان اهل شرق عموماً از معلومات اهل غرب و اهل غرب از معلومات اهل شرق بی خبرند. امّا بواسطهٔ لسان عمومی، شرق افاضه از غرب نمايد و غرب اقتباس انوار از شرق تواند و سوء تفاهم بين اديان زائل شود. پس لسان واحد از اعظم وسايل الفت و ترقّی است در عالم انسانی و سبب نشر معارف و معاونت و معاشرت عمومی.

الحمد للّه دکتر زمنهوف لسان اسپرانتو را اختراع نموده بايد قدر آن دانست چه که ممکن است اين لسان عمومی شود، لهذا بايد جميع آن را ترويج نمايند تا روز به روز تعميم يابد و در مدارس تعليم دهند و در جميع مجامع به اين لسان تکلّم نمايند تا جميع بشر زياده از دو لسان محتاج نشوند. يکی لسان وطنی يکی لسان عمومی. امّا حال اگر انسان ده لسان بداند، باز کفايت نکند. من با وجود دانستن بسياری از السنه شرقيّه، هنوز محتاج مترجم هستم. اگر لسان واحد بود بدون اشکال، اهل شرق و غرب با هم مذاکره می نمودند و از افکار يکديگر مطّلع می شدند و با هم ارتباط و محبّت مخصوص پيدا می کردند، لکن اختلاف لسان مانع است. لهذا اميد است شما هر يک نهايت کوشش نمائيد تا اين لسان ترويج يابد و اگر ممکن است معلّمين به ايران بفرستيد تا در ايران نيز تحصيل کنند و به زودی اين لسان ترويج شود تا عالم انسانی راحت يابد، جميع بشر خويش و پيوند گردند و هر فردی مطّلع از افکار عموم شود لهذا شما را برای اين مقصد عالی تبريک می گويم.



1. Modern hotel in Paris [↑](#footnote-ref-1)
2. خطابه در مجلس اسپرانتیستهای پاریس در مدرن هتل در شب ۱۳ فوریه ۱۹۱۱ [↑](#footnote-ref-2)